

آموزش، محور توسعه

علاقه‌مند به مشارکت جمعی و همکاری، همین‌طور احترام به حقوق دیگران بار آورد تا بتوانند در آینده باعث پیشرفت جامعه شوند. نه افرادی که فقط در پی پیشبرد مقاصد و منافع شخصی خود هستند و برای رسیدن به این هدف از نادیده گرفتن و ضایع کردن حقوق دیگران پروایی ندارند. مشکل دیگر نظام آموزشی ما متون درسی و بسته‌های آموزشی در اختیار شاگردان است. مطالب درسی باید شوق‌انگیز و جذاب باشند تا شاگردان با خواندن آن‌ها به مطالعه و پژوهش بیشتر تشویق شوند. افرادی که این متون را تدوین می‌کنند باید با آنچه می‌نویسند آشنایی کامل داشته باشند تا بتوانند مفاهیم را به‌راحتی به شاگردان منتقل کنند. اما متأسفانه در اغلب متون درسی ما ارتباط با آنچه در زندگی روزمره می‌گذرد و مهارت‌آموزی لحاظ نشده است. کتاب‌های کمک‌درسی گوناگون گرچه اغلب به لحاظ ظاهری شکل مناسبی دارند، اما از نظر محتوا کیفیت مناسبی ندارند و مجموعه‌ای از محفوظات برای تست‌زنی و موفقیت در امتحان و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها هستند. وضعیت کتاب‌های غیردرسی هم اغلب رقت‌بارتر است. در کشورهای پیشرفته بسیاری از استادان و دانشمندان برجسته علاقه زیادی به ترویج علم و تألیف کتاب‌های علمی برای همگان دارند. بنابراین، در این کشورها تعداد زیادی کتاب به زبان ساده درباره مطالب علمی جدید وجود دارد که اطلاعاتی را در اختیار افراد علاقه‌مند قرار می‌دهند و مردم را با یافته‌های علمی جدید آشنا می‌سازند. متأسفانه، در کشور ما دانشمندان کمتر به این کار می‌پردازند و ترجمه‌هایی هم که از این نوع کتاب‌ها وجود دارد اغلب توسط افرادی صورت گرفته است که اطلاع چندانی از موضوع ندارند و در نتیجه برای افراد قابل‌درک نیست. نمونه بارز این مطلب در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد مشاهده شد که در آن در حوزه علوم پایه هیچ کتاب برگزیده و شایسته تقدیری وجود نداشت. این مطلب باید زنگ خطری برای مسئولان باشد تا به جای تبلیغ گسترده کتاب‌های شبه‌آموزشی به رفع کاستی‌های نظام آموزش و پرورش بپردازند. باید با بهره‌گیری از تجربه کشورهای موفق در این زمینه به تربیت افرادی پرداخت که بتوانند با توسعه همه‌جانبه روش‌های آموزشی مؤثر به قطع وابستگی کشور به موادی بپردازند که به دیگران اجازه می‌دهد بتوانند ما را در شرایط اقتصادی نامناسب قرار دهند.

امروز تعدادی از کشورهایی که پیش از این جایگاه ممتازی در بین کشورهای در حال توسعه نداشتند موفق به کسب مقام برجسته‌ای در بین این کشورها شده‌اند. این کار با تأکید آن‌ها بر ارتقای کیفیت آموزش صورت گرفته است، زیرا به‌خوبی متوجه شده‌اند که توسعه کشور بدون بهره‌گیری از افرادی که آموزش مناسب برای بهره‌گیری از دانش خود و تعامل سازنده با دیگر افراد را داشته باشند امکان‌پذیر نیست. آموزش و پرورش رکن اساسی توسعه و تعالی مادی و معنوی هر جامعه را تشکیل می‌دهد. با این همه، کشور ما به‌رغم میراث فرهنگی و درخشان و سهم بارز در تمدن بشری با چالش‌های فراوان در سبک، کیفیت و کمیت بسته‌های آموزشی و نظام حاکم بر مدارس رو به روست و هنوز نتوانسته به شکل و محتوای مناسبی دست پیدا کند.

ما هنوز نتوانسته‌ایم درباره ساختار مناسب برای نظام آموزشی تصمیم بگیریم و اغلب با تصمیم‌گیری شتاب‌زده در این مورد روبه‌رو هستیم. مدرسه‌های ما اغلب مطالب زیادی را در زمینه‌های گوناگون به شاگردان آموزش می‌دهند که از عمق زیادی برخوردار نیستند و دانش‌آموز نمی‌داند آنچه می‌آموزد چه ارتباطی با مواردی دارد که در زندگی روزمره با آن‌ها روبه‌رو می‌شود و چه کاری می‌تواند با آموخته‌های خود انجام دهد. این ناتوانی در برقراری ارتباط با جهان واقعی مهم‌ترین تفاوت ما با کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهد که در آن‌ها به‌ویژه در دهه‌های اخیر، متون درسی در همه سطوح ارتباطی تنگاتنگ با زندگی واقعی دارد و مسئله‌هایی در آن‌ها مطرح می‌شود که در زندگی افراد مستقیماً به کار می‌آید.

مشکل دیگر مدارس ما آن است که در کلاس‌های درس اغلب فقط معلم نقش فعال را به‌عهده دارد و شاگردان کمتر در این کار مشارکت دارند. این موضوع انگیزه و شور و شوقی در شاگردان به‌وجود نمی‌آورد و آن‌ها اغلب مدرسه و کلاس درس را مکانی کسل‌کننده و آموزش را وظیفه‌ای شاق و دشوار می‌بینند که باید از روی اجبار و برای قبول شدن در امتحان و جلب رضایت والدین خود انجام دهند.

در جهان امروز پیشرفت اقتصادی هر کشور در گرو آموزش مؤثر در آن است. برای توسعه هر کشور لازم است که نظام آموزشی، کودکان را از همان مراحل اولیه آموزش یعنی پیش‌دبستان و دبستان طوری تربیت کند که آن‌ها را خلاق، پرسشگر، منظم و مرتب، دارای روحیه تعامل و